

تحلیل مقایسه‌ای شاخص فقر چندبعدی^۱ در اسلام و اقتصاد متعارف

محمد مهدی عسکری*

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۷/۲۹

حسین غفورزاده**

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۲/۲۶

چکیده

از آنجا که بشر با نیازهای متنوعی روبروست، عدم تأمین آن‌ها هم باعث پدید آمدن فقر چندبعدی می‌شود لذا نیاز به رویکرد چندبعدی جهت اندازه‌گیری فقر، اخیراً مورد توجه اقتصاددانان قرار گرفته و به تعیین شاخص‌هایی برای فقر چندبعدی پرداخته‌اند و سه رویکرد درآمدی (رفاهی)، قابلیت‌ی و مشارکت اجتماعی را برای آن برشمرده‌اند. بررسی مفهوم فقر در فقه و معارف اسلامی نیز روشن می‌سازد که اسلام دیدی جامع‌تر نسبت به فقر چندبعدی داشته و بعضی از اقسام و ابعاد فقری که در اسلام مورد اشاره قرار گرفته در اقتصاد متعارف هرگز یافت نمی‌شود که این نیز به دلیل تفاوت در اصول و مبانی آن دو است. همچنین مقاله حاضر به مقایسه رویکردهای فقر چندبعدی در اسلام و اقتصاد متعارف پرداخته است و این نتیجه حاصل گردیده که در اسلام رویکرد درآمدی و تعیین یک خط فقر مدنظر قرار نمی‌گیرد، ولی معیارهای فقیر شرعی بیشتر به جنبه فقر نسبی توجه دارد تا فقر مطلق، و اسلام با تأکید بر رفع فقر نسبی به دنبال رفع نابرابری و نزدیک کردن طبقات مختلف اجتماعی به یکدیگر است. مواردی نظیر تأمین ابزار تولید برای فقرا به جای کمک مستقیم مالی از سوی معصومین(ع) و همچنین بحث عدم اجبار افراد به کار غیر مورد علاقه و غیر تخصص، به رویکرد قابلیت‌ی و ورود مفهوم «شان و منزلت» در فقه به رویکرد مشارکت اجتماعی (در حالت منزلت شغلی) در اقتصاد متعارف شبیه بوده و معیارهای خط فقر اسلامی را با فقر نسبی در اقتصاد متعارف متفاوت می‌کند و در واقع رعایت شان و لیاقت، معیاری جزئی‌تر است تا سطح زندگی اقتصادی افراد در هر طبقه نیز با یکدیگر فاصله زیادی نداشته باشد.

واژگان کلیدی

فقر، فقر نسبی، فقر مطلق، فقر قابلیت‌ی، فقر چند بعدی

m.askari@isu.ac.ir

* دانشیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق(ع)

** کارشناس ارشد، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق(ع) (نویسنده مسئول)

ghafoorzadeh@isu.ac.ir

مقدمه

از آنجا که بشر موجودی چندبعدی است و برای زندگی باید به رفع نیازهای گوناگونی بپردازد، توان او در یک جامعه تا اندازه‌ای است که این نیازها برآورده شوند و از این‌رو، فقر به مفهوم جامعی بدل می‌شود که کل طیف زندگی را در برمی‌گیرد. بنابراین درآمد به عنوان شاخص رفاه، یک شاخص متناسبی نیست و باید به وسیله دیگر متغیرها مانند مسکن، سواد، امید به زندگی و... تکمیل شود. نیاز به این رویکرد چندبعدی جهت اندازه‌گیری نابرابری رفاه، اخیراً مورد توجه اقتصاددانان قرار گرفته است.

لذا با توجه به ضرورت مقابله با بحران فقر می‌بایست از دو جنبه نظری و عملی موضوع فقر مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد. از جنبه نظری باید فقر و مؤلفه‌های آن به دقت تعریف و شناسایی گردند و از جنبه عملی باید بتوان میزان اندازه فقر در کشور یا جامعه مورد نظر را اندازه‌گیری نمود. در شاخص توسعه انسانی و شاخص فقر انسانی رویکرد فقر چندبعدی مورد استفاده قرار می‌گیرد لذا پیرامون معیارهای آن مباحث مختلفی مطرح گردیده و برای اندازه‌گیری آن شاخص‌هایی به ادبیات اقتصادی معرفی شده است. اما در مباحث اسلامی این مفهوم مورد کاوش قرار نگرفته است، لذا هدف این مقاله بررسی فقر چندبعدی از دیدگاه اسلامی و تطبیق شاخص‌های متعارف با آن است.

بنابراین پس از مروری بر ادبیات بحث، مطالب این تحقیق در سه بخش تنظیم شده است: بخش اول حاوی مطالبی پیرامون تعریف فقر و مشکلات آن در اقتصاد متعارف و سپس تبیین اقسام مختلف فقر و همچنین رویکردهای مختلف نسبت به فقر نظیر رویکرد درآمدی، رویکرد قابلیت، رویکرد مشارکت اجتماعی و نهایتاً رویکرد ترکیبی می‌باشد. بخش دوم تحقیق، ابتدا به بررسی اقسام فقر در اسلام و سپس محدوده فقر و غنا و بررسی عناصر موجود در تعریف فقیر شرعی در منابع فقهی به صورت تفصیلی می‌پردازد. بخش سوم نیز شامل مقایسه و تحلیل دو دیدگاه مکتب اقتصادی اسلام و اقتصاد متعارف در مورد فقر است.

۱. مروری بر ادبیات بحث

سروش (۱۳۷۵) در مقاله‌ای تحت عنوان «فقه و تعیین خط فقر» پس از مقدمه‌ای که چگونگی ارتباط اینگونه موضوعات را با شرع نشان می‌دهد، دیدگاه‌های مختلف فقهی پیرامون «مرز فقر و غنا» را مطرح می‌نماید و در ادامه به ملاک‌های کلی و ثابت و ملاک‌های جزئی و متغیر به عنوان معیارهای خط فقر اشاره می‌کند.

اقبال^۲ (۲۰۰۲م.) در بخشی از کتاب «نهادهای اقتصاد اسلامی و فقرزدایی»، مباحثی تحت عنوان «مفهوم و اندازه‌گیری فقر» مطرح نموده و سپس به سه مفهوم معیشت، نابرابری و اثرات خارجی اشاره می‌کند و ابراز می‌دارد که هدف ما این است که فقر یک مفهوم چند بعدی است و رویکردهایی که مبتنی بر تعیین یک مقداری از درآمد است کافی نیست و این نیاز وجود دارد که این رویکردها گسترش داده شوند تا اثرات اجتماعی فقر نیز اندازه‌گیری شود.

علی‌مددی (۱۳۸۷) در پایان‌نامه خویش با عنوان «اندازه‌گیری شاخص‌های چند بعدی فقر در ایران در سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۵» بر این باور است که محققان به این نتیجه رسیده‌اند که وضعیت فقر علاوه بر بعد مالی می‌تواند حاصل ویژگی‌های دیگر فرد نظیر سطح آموزش، بهداشت و... باشد. بنابراین وی در تحقیق خود به شاخص‌های چندبعدی فقر در اقتصاد ایران در سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۵ پرداخته و ابعاد درآمد، مسکن، تملک کالاهای بادوام، سلامت، تأمین اجتماعی، اوقات فراغت و سطح آموزش را برای اندازه‌گیری فقر در نظر گرفته است.

راغفر و دیگران (۱۳۹۲) در مقاله «اندازه‌گیری فقر چند بعدی در شهر تهران» ابراز می‌دارند که به دلیل نارسایی‌های موجود در رویکرد اندازه‌گیری فقر بر اساس درآمد (هزینه)، بررسی محرومیت‌ها بر اساس نیازهای اساسی همانند بهداشت، تغذیه، آموزش و آزادی‌های سیاسی، لازم و ضروری به نظر می‌رسد. در این مقاله فقر چندبعدی، بر اساس چهار ویژگی درآمد، مسکن و آموزش و سلامت عمومی اندازه‌گیری شده که ابتدا فقر تک بعدی در هر کدام از چهار ویژگی فوق، محاسبه، سپس بر اساس سطوح متفاوت قابلیت جانشینی بین ویژگی‌ها، فقر مطلق با رویکرد خط فقر تجمیع شده در مناطق مختلف نیز اندازه‌گیری شده و در مرحله بعد،

محرومیت نسبی چند بعدی بر اساس رویکرد تمرکز قوی بر فقر مورد محاسبه قرار گرفته است.

اگرچه در اقتصاد متعارف، مطالعات زیادی در زمینه خط فقر انجام شده است اما در مطالعات اسلامی تحقیقات شایسته‌ای صورت نگرفته و به صورت کلی و عمومی مطالبی نگاشته شده است، لذا جامعیت و نگاه دقیق و جزئی به مؤلفه‌های خط فقر از دیدگاه اسلامی و مقایسه آن با دیدگاه متعارف از جمله نوآوری‌های تحقیق حاضر به شمار می‌آید.

۲. فقر در اقتصاد متعارف

به دلیل بحران‌های سال ۱۹۱۹ و ۱۹۲۹ میلادی و جهت بهبود توزیع درآمد، مطالعات فقر از اواخر قرن ۱۹ به طور جدی پیگیری شد. آغاز مطالعات علمی فقر در دنیای آنگلو ساکسون^۳ در واقع به تحقیقات بوت^۴ (با مطالعه میدانی در لندن جهت اندازه گیری میزان فقر) و راونتري^۵ (با تعیین شاخص فقر بر مبنای برآوردی از حداقل میزان تغذیه و دیگر مایحتاجات زندگی) در اواخر قرن ۱۹ برمی‌گردد. (Steven & Lawrence, 2008, p.545) و با شروع دهه ۸۰ میلادی به دلیل پذیرش برنامه اصلاح ساختاری، آزاد سازی و خصوصی سازی، فقر با شدت بیشتری مورد توجه قرار گرفت؛ برای مثال سازمان ملل دهه ۱۹۹۷-۲۰۰۶ را دهه ریشه کنی فقر نام نهاد.

۲-۱. تعریف فقر

در مورد تعریف فقر، استاندارد که قابل قبول همه اقتصاددانان باشد، وجود ندارد اما تعاریف گوناگون در مورد فقر را می‌توان در دو گروه اصلی زیر تقسیم بندی نمود. تعریف اول، عدم تکافوی منابع (درآمد) جهت تأمین ضروریات زندگی است. تمرکز اصلی بحث در این است که فرد یا خانوار منابع کافی جهت تأمین نیازهایشان را در اختیار داشته باشند. در این حال نوعاً فقر با مقایسه و سنجش درآمد یا مصرف اشخاص با آستانه‌ای که افراد پایین‌تر از آن فقیر تلقی می‌شوند، اندازه گیری می‌شود. این دیدگاه که فقر به طور وسیعی یک اصطلاح پولی تلقی می‌شود، متعارف‌ترین

دیدگاه است و نقطه شروع بیشترین تحلیل‌های فقر قرار می‌گیرد (Haughton & Khandker, 2009, p.2).

تعریف دوم، محرومیت‌هایی است که قابلیت‌های افراد را محدود می‌کند. شاید وسیع‌ترین دیدگاه نسبت به فقر از سوی آمارتیا سن^۶ مطرح شده باشد. او بحث می‌کند که فقر عبارتست از فقدان قابلیت‌های کلیدی و همچنین درآمد یا آموزش ناکافی، فقدان سلامتی، ناامنی، اعتماد به نفس پایین، حس ضعف و ناتوانی و فقدان حقوقی نظیر آزادی بیان (Sen, 1987, p.30). براساس این دیدگاه فقر یک پدیده چند بعدی است و کمتر یک راه حل ساده برای آن قابل تصور است. برای مثال اگرچه متوسط درآمدهای بالاتر مطمئناً به کاهش فقر کمک خواهد کرد، اما باید با مقیاس‌هایی همراه شود که فقرا را قدرت بخشد، آن‌ها را در برابر ریسک‌ها بیمه نماید و به ضعف‌های ایشان نظیر دسترسی ناکافی به تحصیلات یا خدمات بهداشتی توجه نماید (Haughton & Khandker, 2009, p.3).

۲-۲. انواع رویکردهای فقر

۲-۲-۱. رویکرد درآمدی

رویکردهای فقر درآمدی اصولاً یک بعدی هستند و فقط برحسب درآمد یا مصرف ارزیابی می‌شوند. از هنگامی که راونتری در سال ۱۹۱۰ میلادی برای اولین بار خط فقر را محاسبه کرد حدود یک قرن می‌گذرد. وی با اندازه‌گیری هزینه‌های لازم برای تأمین حداقل معیشت بر مبنای محتوای مواد غذایی، مسکن، پوشاک و سوخت به انجام این کار مبادرت ورزید. از آن هنگام تا سال‌های نخستین دهه ۱۹۹۰ میلادی تعاریف و روش‌های اندازه‌گیری فقر تفاوت ماهوی چندانی نداشته است. تعریف فقر در این سال‌ها به طور عمده مبتنی بر نگاهی است که آن را فقر درآمدی می‌نامند (محمودی و صمیمی فر، ۱۳۸۴، صص ۱۹-۲۰).

۲-۲-۱-۱. فقر مطلق^۷

فقر مطلق یک موضوع عینی است و متضمن تعریف علمی که بر پایه حداقل معاش^۸ شکل گرفته است و منظور حداقل نیازهایی است که برای حفظ زندگی لازم است^۹. به

این ترتیب فقر مطلق به عنوان ناتوانی در کسب حداقل استاندارد زندگی تعریف شده است. اگر فردی در سطحی کمتر از این حداقل باشد توان لازم برای ادامه زندگی نخواهد داشت (خداداد کاشی، ۱۳۸۱، ص ۱۱).

اقتصاددانان توسعه، فقر مطلق را «ناتوانی از تأمین حداقل سطح درآمدی معیشتی معین که به منظور ادامه بقا برای تأمین سه نیاز جسمانی اصلی یعنی خوراک، پوشاک و مسکن ضروری است تعریف کرده‌اند (تودارو، ۱۳۷۷، ص ۵۱). سازمان بین‌المللی کار، با توجه به منطقه زندگی نیازهای پایه هر فرد در روز را از ۲۱۸۰ تا ۲۳۸۰ کیلوکالری و ۵/۲۵ تا ۷/۵۰ متر مربع فضای مسکونی اعلام کرده است (گریفین، ۱۳۷۵، ص ۲۵۷).

بنابراین در تعریف فقر مطلق، معمولاً عدم توانایی فرد یا خانوار را در تأمین حداقل انرژی سرانه در روز (بر حسب کالری) و تأمین پوشاک، سرپناه و بهداشت و درمان مورد نیاز معیار می‌دانند. اما در صورتی که در یک جامعه افراد و خانوارها قادر به تأمین بیش از ۸۰ درصد کالری مورد نیاز خود نباشند گفته می‌شود که در آن جامعه فقر مطلق شدید وجود دارد (سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۷۹، ص ۲۳).

۲-۱-۳. فقر نسبی^{۱۰}

در مقابل فقر مطلق، فقر نسبی قرار دارد که یک موضوع نسبی است که در آن داورها بر تعیین سطح فقر مؤثر است. فقر نسبی به عنوان ناتوانی در کسب یک سطح معین از استانداردهای زندگی که در جامعه فعلی لازم یا مطلوب تشخیص داده می‌شود تعریف شده است. بنابراین در تعریف فقر نسبی به نابرابری در توزیع درآمد و ثروت بیش از میزان مطلق درآمد افراد توجه می‌شود (خداداد کاشی، ۱۳۸۱، ص ۱۱).

خط فقر نسبی عموماً به صورت درصد معینی از میانه توزیع درآمد (هزینه) جامعه در نظر گرفته می‌شود و افرادی که درآمد (هزینه) آن‌ها پایین‌تر از این آستانه قرار گیرد، فقیر محسوب می‌شوند (راولین، ۱۳۷۶، ص ۵۱)، ساهیل^{۱۱} در خصوص فقر نسبی این‌طور بیان می‌کند که هر قدر هم کل درآمد و درآمد متوسط افراد جامعه افزایش یابد «فقر به مفهوم نسبی کلمه، همیشه با ما خواهد بود». یعنی انتخاب خط فقر نسبی

موجب می‌شود که همواره در جامعه عده‌ای از افراد به عنوان فقیر معرفی شوند (خدادادکاشی، ۱۳۸۱، ص ۱۶).

۲-۲-۲. رویکرد قابلیت

مفهوم قابلیت اولین بار توسط آمارتیا سن برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۱۹۹۸، مطرح گردید. به زعم سن، بین فردی که مثلاً دچار معلولیت جسمی است با فردی که سالم است، تفاوت ماهوی وجود دارد. سطح مطلوبیت این افراد با توجه به رویکردهای درآمد محور قابل اندازه‌گیری و مقایسه نیست. فرد معلول با درآمد مساوی با فرد سالم ممکن است در وضعیت نامناسب‌تری به سر ببرد، زیرا او از یک محرومیت قابلیت (و نه درآمدی) نیز رنج می‌برد. بنابراین سن بر ضرورت تغییر زاویه دید و نحوه نگرش به اهمیت کالاها برای انسان تاکید کرد.

جدول ۱. تفاوت‌های نگاه درآمدی و قابلیت به موضوع فقر

عناوین	فقر درآمدی	فقر قابلیت
تعریف فقر	فقر به مثابه محرومیت از درآمد	فقر به مثابه محرومیت از قابلیت
فقیر	ناتوان از تامین درآمد	ناتوان از خروج از وضعیت فقر
معیار فقر	شکاف درآمدی	شکاف قابلیت
مبارزه با فقر	سیاست‌های حمایتی	رشد قابلیت‌های فردی، توانمندسازی
رفع فقر	کوتاه‌مدت	بلندمدت
محدوده فقر	درآمد ناکافی	درآمد کم، سواد کم، بهداشت کم
هدف	رساندن حق به فرد	رسیدن فرد به حق
جامعه هدف	فقر زودگذر	فقر مزمن

فرد دارای درآمدی که نتواند در فعالیتهای آزاد سیاسی یا اجتماعی شرکت کند یا فرد باسواد و حتی آموزش‌دیده‌ای که از دسترسی به امکانات و منابع اقتصادی (به دلیل وجود رانته‌ها) محروم است ممکن است نتواند قابلیت‌های خود را به کارکرد تبدیل کند و به منصفه ظهور برساند و به همین دلیل می‌تواند فقیر محسوب شود. البته آنچه

بیش از هر چیز در بحث فقر قابلیت مورد نظر است فقری است که ناشی از فقدان قابلیت است و مانع خروج از وضعیت فقر می‌شود. تفاوت‌های نگاه درآمدی و قابلیت به موضوع فقر را می‌توان به صورت جدول شماره ۱ خلاصه کرد (محمودی و صمیمی، ۱۳۸۴، ص ۲۹).

۳-۲-۲. رویکرد مشارکت اجتماعی

از آنجا که پدیده فقر یک مفهوم عینی نیست حتی با رویکرد قابلیت نمی‌توان تعریف جامعی از فقر ارائه نمود، چون می‌توان نشان داد که افرادی با سطح توانایی‌ها و قابلیت‌های یکسان از لحاظ سطح فقر متفاوتند. لذا نیاز به معیاری جهت اندازه‌گیری همه جانبه فقر که عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی^{۱۲} را مشخص نماید، احساس می‌شود. مطالعات^{۱۳} بسیار زیادی به این مطلب اشاره کرده‌اند که پدیده فقر به سادگی یک مشکل اقتصادی نیست بلکه یک مشکل اجتماعی پیچیده با اشکال مختلف است. به عبارت دیگر وجه تمایز این دیدگاه با دو دیدگاه درآمدی و قابلیت که جنبه‌های فردی رفاه را مدنظر قرار می‌دادند این است که بر رابطه شخص با نهادها و چارچوب‌های اجتماعی تأکید می‌نماید (Wagle, 2008, p.56).

۴-۲-۲. رویکردهای ترکیبی (چند بعدی)^{۱۴}

با ترکیبی از متغیرهای درآمدی، قابلیت و مشارکت اجتماعی شاخص ترکیبی فقر ساخته شده است. مشکل اساسی در محاسبه شاخص ترکیبی در اندازه وزن دهی به متغیرهای درآمدی، قابلیت و مشارکت اجتماعی است که نمی‌توان برای آن به یک راه حل مناسب دست یافت. شاخص توسعه انسانی^{۱۵} و شاخص فقر انسانی^{۱۶} نمونه‌ای از رویکردهای ترکیبی هستند.

۱-۴-۲-۲. چگونگی انتخاب ابعاد شاخص فقر چندبعدی فقر

در انتخاب ابعاد مختلف فقر باید در نظر داشت که چگونه باید دریافت که انتخاب یک بعد و در نظر گرفتن آن در شاخص چندبعدی فقر مناسب بوده است؟ آیا در هر بعدی

یک شاخص وجود دارد یا بیشتر؟ (در صورت وجود بیشتر از یک شاخص، آیا لازم است که تعداد شاخص بیشتری به کار گرفته شود یا خیر؟ کدامیک را باید استفاده کرد؟) آیا ابعاد مختلف در نظر گرفته شده برهم کنش دارند؟ (جانشین هم هستند یا مکمل؟) چگونه باید با مسأله ارتباط متقابل میان شاخص‌های مربوط به یک بعد مورد نظر مواجه شد؟

جهت پاسخ‌دهی به این پرسش‌ها و انتخاب ابعاد مورد اندازه‌گیری فقر اصولاً چهار راه متفاوت وجود دارد:

- انتخاب ابعادی که اطلاعات آن‌ها در دسترس است.
 - در نظر گرفتن فروض ضمنی و یا آشکار در مورد نظام ارزش‌گذاری حاکم بر جامعه (در سطح افراد)
 - تکیه بر نتایج حاصل از مطالعات تجربی محققان
 - پذیرفتن شواهد تجربی مربوط به ارزش‌های مردم (علی‌مددی، ۱۳۸۷، ص ۱۷).
- در رویکرد چند بعدی فقر چون هریک از ابعاد به صورت مستقیم قابل مشاهده نیستند، لذا هر یک توسط چندین شاخص قابل مشاهده، اندازه‌گیری می‌شوند (Wagle, 2008, p.62). پیشرفت‌های نظری در تحقیقات مربوط به فقر نشان می‌دهد که سه بعد رفاه اقتصادی، قابلیت و مشارکت اجتماعی می‌توانند جنبه‌های مختلف فقر را به خوبی در بر گیرند.

بعد رفاه اقتصادی بیانگر وضعیت مالی و رفاهی فرد است و با توجه به نظریه‌های موجود شاخص‌های رفاه اقتصادی عبارتند از: میزان درآمد، مصرف، ثروت، کفایت در درآمد^{۱۷} و وضعیت مسکن. اگرچه هر سه متغیر درآمد، مصرف و ثروت خیلی به هم نزدیکند اما استفاده همزمان از هر سه متغیر باعث اندازه‌گیری دقیق‌تری می‌شود.

بعد قابلیت شامل ویژگی‌ها و شرایطی است که می‌توانند بر قابلیت‌ها و موقعیت افراد برای کسب زندگی بهتر اثرگذار باشند؛ مثلاً وضعیت سلامت و بهداشت، تغذیه، میزان تحصیلات، وضع فعالیت و خصوصیات فردی مانند جنسیت، نژاد و ... از شاخص‌های تعیین‌کننده بعد قابلیت هستند. بر خلاف بعد رفاه اقتصادی، شاخص‌های بعد قابلیت همبستگی کمتری با یکدیگر دارند.

بعد مشارکت اجتماعی نشان دهنده میزان دسترسی به منابعی است که چگونگی فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی فرد را مشخص می‌کند. برای تعیین بعد مشارکت اقتصادی می‌توان از شاخص‌هایی که میزان دسترسی فرد به منابع مالی را نشان می‌دهند استفاده کرد، مانند اعتبار، وضعیت اشتغال، کیفیت مشارکت در بازار کار، منزلت شغلی، وضعیت استخدام.

بعد مشارکت فرهنگی میزان مشارکت فرد در مسائل فرهنگی و تفریحی را نشان می‌دهد که از شاخص‌های آن می‌توان به شرکت در گروه‌ها و اجتماعات، عضویت در کلوپ‌ها، شرکت در فعالیت‌های اجتماعی و مذهبی، حفظ روابط خانوادگی و نژادی و همچنین تفریحات و سرگرمی‌ها اشاره کرد.

۲-۴-۲-۲. محاسبه شاخص فقر چندبعدی

اولین قدم در سنجش فقر چندبعدی، انتخاب ویژگی‌هایی است که بتواند به خوبی محرومیت انسان را منعکس کند. ویژگی‌های شاخص‌های فقر چندبعدی باید به گونه‌ای باشد که از تجمیع آن‌ها فقر کلی به دست آید. در رویکرد چندبعدی، مرحله شناسایی فقر شامل یک فرآیند نسبتاً پیچیده است و بر خلاف رویکرد تک‌بعدی، محرومیت انسان فقط بر اساس درآمد اندازه‌گیری نمی‌شود بلکه بر اساس سطح کمبود تا آستانه‌های هر کدام از ویژگی‌های مورد بررسی و به صورت مستقیم سنجش می‌شود. بنابراین یک شاخص فقر چندبعدی تجمیع این کمبودها در همه افراد است (Tsui, 2002). در رویکرد فقر چندبعدی سه رویکرد جهت شناسایی فقر وجود دارد:

۲-۴-۲-۱. رویکرد اجماعی^{۱۸}

در اندازه‌گیری فقر چندبعدی، رویکرد اجماعی یک رویکرد تفریطی است که اگر فرد در یکی از ویژگی‌های مورد بررسی، فقیر باشد به‌طورکلی فقیر چندبعدی در نظر گرفته می‌شود.

۲-۲-۴-۲. رویکرد اشتراکی^{۱۹}

یک حالت افراطی در اندازه‌گیری فقر چندبعدی است که فقر چندبعدی را به این منوط می‌کند که فرد در تمامی ویژگی‌های مورد بررسی فقیر باشد.

۲-۲-۴-۳. رویکرد تمرکز ضعیف بر فقر

در این رویکرد، یک موقعیت میانه پذیرفته می‌شود که جانشینی بین ویژگی‌های مورد بررسی، حتی اگر برخی از آن‌ها بالاتر از آستانه باشند، امکان‌پذیر است، بنابراین افراد نباید حتماً در همه ویژگی‌ها زیر آستانه فقر قرار داشته باشند تا به عنوان فقیر شناخته شوند (راغفر و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۴).

شاخص فقر چندبعدی از داده‌هایی استفاده می‌کند که از نظرسنجی خانوارها به دست می‌آیند و بر خلاف شاخص تطبیقی نابرابری توسعه انسانی تمام داده‌ها باید از یک نظرسنجی استخراج شوند. هر شخص باید نمره محرومیت خود در هر کدام از ۱۰ نشانگر را بیان کند. حداکثر نمره ۱۰۰ درصد است و هر کدام از نشانگرها زمان‌بندی شده‌اند. گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۱۰ میلادی، شاخص چندبعدی فقر را که محرومیت خانوارها را به لحاظ آموزشی، بهداشتی و استاندارد زندگی نشان می‌دهد، معرفی می‌کند. ابعاد آموزشی و بهداشتی، متکی بر دو شاخص هستند؛ در حالی که بعد استاندارد زندگی، متکی بر ۶ شاخص است.

نظرسنجی‌هایی هم که صورت می‌گیرد بر اساس موارد زیر هستند:

- تحصیل، هیچکدام از اعضای خانوار ۵ سال مدرسه را نگذرانده باشد و حداقل
- یک کودک در سن مدرسه در خانوار باشد که به مدرسه نمی‌رود.
- بهداشت، داشتن حداقل یک عضو خانواده که دچار سوءتغذیه باشد و یک یا چند کودک در خانوار فوت کرده باشد.
- استاندارد زندگی، نداشتن برق، عدم دسترسی به آب آشامیدنی سالم، عدم دسترسی به بهداشت کافی، استفاده از سوخت کثیف (فضولات حیوانی، چوب، زغال چوب) برای پخت‌وپز، کف خاکی اتاق‌ها، نداشتن اتومبیل یا هر وسیله نقلیه

موتوری با وجود داشتن یکی از وسائل دوچرخه، موتورسیکلت، رادیو، یخچال، تلفن و تلویزیون.

تمام شاخص‌ها برای به دست آوردن MPI هر خانوار، از بررسی همان خانوار به دست می‌آید. سپس شاخص‌ها وزن‌دهی می‌شوند و نمرات محرومیت هر خانوار با مطالعه محاسبه می‌شود. یک مرز $33/3$ درصدی که برابر با یک سوم وزن شاخص‌ها است، برای تشخیص خانوارهای فقیر و غنی مورد استفاده قرار می‌گیرد. اگر نمره محرومیت خانوارها، بالاتر از $33/3$ درصد باشد، آن خانوار به صورت چند بعدی فقیر است. خانوارهایی که نمره محرومیت آن‌ها بین $33/3$ تا 20 درصد باشد، در گروه خانوارهایی که در معرض فقر چند بعدی هستند، قرار می‌گیرند و بطور مشخص خانوارهایی که نمره محرومیت آن‌ها پایین‌تر از 20 درصد باشد، در گروه خانوارهای غنی قرار می‌گیرند (طهماسبی، ۱۳۹۱، صص ۱۹-۲۰).

۳. فقر در اسلام

۳-۱. تعریف فقر

در کتب معجم و لغت «فقر» در معانی زیر بکار رفته است: شکسته شدن مهره‌های پشت بدن (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۳۵۷)؛ نیاز و حاجت (طریحی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۴۴۱)؛ «فقر» ضد «غنا» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۶۰؛ زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۳۵۴).

در مفردات، فقر به چهار صورت معنا شده است. فقر به معنی نیازمندی‌های مادی و زیستی موجودات زنده، عدم برخورداری از وسایل و امکانات اولیه و اساسی زندگی، آزمندی و بسنده نکردن به امکانات موجود و بالاخره به معنی احساس همیشگی نیاز به خدا آورده و بدیهی است که از چهار مورد یاد شده، نخستین آن‌ها ضروری و فطری است، دومی امری منطبق با واقعیت است، سومی صفتی است ناپسند و نکوهیده و چهارمی صفتی است پسندیده و ضروری برای هر فرد موحد و مؤمن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۴۱).

۳-۲. اقسام فقر

فقر را می‌توان بر اساس مولفه‌های مختلفی دسته‌بندی نمود از جمله فقر ذاتی، فقر واقعی و حقیقی، فقر فرهنگی، فقر روحی، فقر دینی و فقر اقتصادی؛ که با توجه به موضوع مقاله در این قسمت به تبیین فقر اقتصادی در اسلام پرداخته شده است.

از منظر مؤلف کتاب الحیاء فقر اقتصادی عبارتست از نیازمندی انسان، یا بی‌نصیب ماندن از چیزهایی که برای تأمین زندگی او و کسانی که تحت تکفل او هستند کفایت کند. به عبارتی دقیق‌تر فقر عبارتست از: نداشتن چیزهایی که آدمی در زندگی به آن‌ها نیازمند است، و ناقص یا اندک بودن امکاناتی که شکوفایی قابلیت آدمی و ظهور استعدادها و به آن‌ها بستگی دارد. تعبیرهای حدیثی درباره فقر هم اغلب چنین مطلبی را گوشزد می‌نمایند (حکیمی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۴۰۰).

۳-۳. رویکردهای فقر در فقه اسلامی

در فقه اسلامی، با توجه به اینکه فقر به معنی عدم غنا است، تلاش شده تا با مشخص شدن محدوده «غنا» مرز فقر معلوم گردد. بنابراین با یک نگاه کلی به آراء و نظریات فقیهان، در جهت مشخص شدن محدوده فقر و غنا، دیده می‌شود که دو دیدگاه متفاوت وجود دارد که در اینجا سعی بر این است که به چگونگی دیدگاه هر یک و نحوه استدلال آنان پرداخته شود.

۳-۳-۱. رویکرد درآمدی

۳-۳-۱-۱. مالک بودن یک نصاب از زکات

غنی فردی است که ثروتش به اندازه‌ای یک نصاب زکات (۲۰۰ درهم یا ۲۰ دینار) باشد، در مقابل فقیر کسی است که درآمد و ثروتش به این اندازه نباشد. دیدگاه ابوحنیفه از اهل سنت و گروهی از فقیهان شیعه بر این باور است. این دیدگاه از شیخ طوسی حکایت شده (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۴۶) و به نقل از صاحب مفتاح الکرامه به شیخ مفید و سید مرتضی نیز نسبت داده شده است (حر عاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۱، ص ۴۳۹). طرفداران این دیدگاه به ادله ذیل استناد جسته‌اند:

استدلال اول: براساس روایات فلسفه تشریع زکات (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۴۹۶) قدر متیقن این است که غنی کسی است که زکات برایش واجب است و کسی که به اندازه یک نصاب زکوی ثروت دارد، پرداخت زکات برایش واجب بوده و کسی که درآمدش به اندازه یک نصاب نیست غنی نیست بلکه فقیر است.

در رد استدلال اول می‌توان گفت اولاً روایاتی که مورد استدلال قرار گرفته مطلق اغنیاء را نمی‌رساند، بلکه ناظر به «غالب» است و در این روایات معصوم (ع) در صدد بیان این مطلب نیست که بر هرکس زکات دادن واجب باشد غنی است، بلکه در صدد بیان وجوب اداء زکات بوده است که غالباً به اغنیاء واجب می‌شود (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۴، ص ۱۲). ثانیاً اینکه غنی که پرداخت زکات برایش واجب است غیر از غنی است که از مصرف زکات محروم می‌شود (محقق حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۵۶۷، ص ۲) و این مطلب بدین جهت نیست که غنا دو معنای مختلف از باب اشتراک لفظی دارد بلکه غنا یک معنای واحد ولی دارای مراتب است که مرتبه‌ای از آن دادن زکات را واجب می‌نماید (ملکیت نصاب)، و مرتبه‌ای از آن از گرفتن زکات منع می‌نماید (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۵، ص ۳۰۶).

استدلال دوم: براساس روایات فلسفه تشریع زکات، بر معطی زکات عنوان «غنی» صدق می‌کند و بر کسی که زکات می‌گیرد، عنوان «فقیر» صادق است و در صورتیکه فردی هم شامل وجوب پرداخت زکات و هم شامل وجوب اخذ زکات باشد، هم غنی تلقی می‌شود و هم فقیر و اجتماع فقر و غنا در آن واحد محال است. بنابراین مشکل تنافی پیش می‌آید، یعنی بین پرداخت زکات و دریافت زکات، تنافی وجود دارد (همدانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۳، ص ۴۸۹).

در مقام رد استدلال فوق می‌توان دو اشکال زیر را مطرح نمود: اولاً اینکه برای مالک نصاب قائل به حرمت اخذ زکات شده، بدین جهت که اجتماع فقر (مشمولیت اخذ زکات) و غنا (ملکیت نصاب) لازم نیاید. در حالیکه در مثال عاملین زکات اینگونه نیست. ثانیاً اینکه مشمول اخذ زکات را غیر مالک نصاب می‌داند تا اجتماع فقر و غنا حاصل نگردد. در حالیکه مثال زیر یک مثال نقض برای این مطلب است. قرض گیرنده‌ای که یک سال از درهم و دیناری که قرض نموده، گذشته باشد باید زکات

بپردازد، در حالیکه ممکن است به سبب فقیر بودن و مدیون بودن مستحق دریافت زکات قرار بگیرد تا دینش را ادا نماید (سبحانی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۲۰).

۳-۱-۲. ثروت و درآمدی در حد ۴۰ یا ۵۰ درهم

غنی فردی است که ثروتش در حد ۴۰ یا ۵۰ درهم باشد. در مقابل فقیر کسی است که درآمد و ثروتش در این حد نباشد. این نظریه در کلمات احمد ابن حنبل، پیشوای مذهب حنبلی و حسن بصری دیده می‌شود، و مستند آن برخی از روایاتی است که از طریق اهل سنت وارد شده و یک روایت هم از طریق شیعه وارد شده که چنین فردی را غنی معرفی می‌کند.

با توجه به مباحثی که در این زمینه مطرح شده است می‌توان چنین نتیجه گرفت که مالک بودن به اندازه یک نصاب زکات و یا مالک بودن به اندازه ۴۰ یا ۵۰ درهم، باعث نمی‌شود که پرداخت زکات برای شخص واجب باشد و یا او را غنی به حساب آورد، بلکه چه‌بسا فردی که مالی به اندازه یک نصاب زکات دارد شرایط پرداخت زکات را نداشته باشد به خاطر صغیر بودن و یا سال بر مالش نگذشته باشد و... و همین‌طور با وجود ثروتی به اندازه ۴۰ یا ۵۰ و یا بیش از این مقدار که در روایات تصریح به آن شده، به خاطر اینکه آن مقدار از ثروت کفاف مخارج سال او و عیالاتش را نمی‌کند. بر این اساس او غنی نیست بلکه فقیر است و مستحق دریافت زکات می‌باشد.

۳-۲-۲. رویکرد فقر قابلیتی

چنانچه در رویکرد فقر قابلیت گذشت، هر کس نتواند قابلیت‌های خود را به کارکرد تبدیل کند و به منصفه ظهور برساند فقیر محسوب می‌شود. بنابراین آنچه بیش از هر چیز در بحث فقر قابلیت مورد نظر است فقری است که ناشی از فقدان قابلیت است و مانع خروج از وضعیت فقر می‌شود.

در سیره پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) دیده می‌شود چنانچه فقری توانایی کار کردن داشته و به عبارت دیگر از قابلیت برخوردار بوده است به جای کمک مستقیم مالی وی

را به کار تشویق کرده و ابزار کار را برایش فراهم می‌کرده‌اند، حدیث زیر جزء این موارد است که به یکی از انصار فقر فشار آورد و از فقر خود به پیامبر(ص) خبر داد. حضرت(ص) فرمود: هر چه در منزل داری بیاور، و هیچ چیز را کوچک نشمار. پس رفت و پلاس و کاسه‌ای آورد آنگاه حضرت به اصحاب فرمود: چه کسی این دو را می‌خرد؟ مردی گفت: من به یک درهم می‌خرم. حضرت فرمود: چه کسی زیاده‌تر می‌خرد؟ دیگری گفت: من این دو را به دو درهم می‌خرم. حضرت فرمود: این دو برای شما. سپس حضرت به آن شخص فقیر فرمود: یک درهم آنرا طعمی برای خانواده تهیه کن و از درهم دیگر تبری را تهیه کن و بیاور. او هم رفت و تبر بدون دسته خرید چون پولش کفایت نکرد. حضرت(ص) فرمود: چه کسی یک دسته تبر بیکار در منزل دارد؟ یکی گفت من در منزل دارم و رفت آورد. حضرت دسته تبر را در تبر جاسازی کرد. بعد تبر را به آن مرد داد و فرمود: برو صحرا هیزم بکن و از هیچ هیزم کوچک و بزرگ نگذر و غافل نشو. او هم این کار را کرده و به فاصله کوتاه کارش راه افتاد. آن مرد در حالی که شبانه روز این کار را کرد و وضعش خوب شد. حضرت(ص) فرمودند: این بهتر از آن بود که گدایی کنی (ورام بن ابی فراس، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۶).

البته برخی از فقیهان در مورد شغل افراد بر این باورند که افراد باید مطابق استعدادها و قابلیت‌های خود مشغول به کار شوند و چنانچه مثلاً شخصی تحصیل کرده باشد ولی کاری متناسب با تخصص و علاقه‌اش یافت نشود نمی‌توان او را مجبور به کار خلاف علاقه و تخصصش کرد.

۳-۳-۳. رویکرد اجتماعی نسبت به فقر (بحث شأن)

دیدگاه مشهور فقیهان بر این است که ملاک فقر و غنا، عرفی است، و توجه به «معنای عرفی» فقر و غنا، نشان می‌دهد که در زبان روایات و از سوی شرع، اصطلاح خاصی در این باره وجود نداشته است. طبق نظر ایشان غنی کسی است که در حد کفایت خود و خانواده‌اش ثروت داشته باشد و ملاک غنا، «کفایت» است و هر کس که کمتر از آن داشته باشد «فقیر» است. شیخ مفید در مقنعه (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۲۴۱)، ابن زهره حلبی در غنیه النزوع (حلبی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۲۳)، ابن براج طرابلسی در المذهب (طرابلسی،

۱۴۰۶ق.، ج ۱، صص ۱۶۹-۱۷۵)، فقر را به «معاش کمتر از کفایت» تفسیر کرده‌اند. در کلام فقهایی نظیر شهید ثانی علاوه بر بحث کفایت مسأله شأن نیز در بحث فقر وارد شده است (عاملی، ۱۴۱۰ق.، ج ۲، ص ۴۲).

در یک نتیجه‌گیری کلی از فقر در اصطلاح فقه، می‌توان گفت که ملاک فقر و غنا، به صورت حقیقت شرعی و تعبدی نیست، که اگر درآمد فرد به آن اندازه معین برسد غنی و اگر نرسد فقیر باشد. بلکه ملاک فقر و غنا یک مسأله عرفی است و درآمد خاصی را نمی‌توان ملاک فقر و غنا دانست، که از این نگاه، ملاک غنا، «کفایت» است، و فقیر کسی است که مخارج سال خود و عیالاتش، که مطابق شأن شأن باشد، نه بالفعل و نه بالقوه، نداشته باشد و در مقابل، غنی کسی است که در حد کفایت خود و خانواده‌اش ثروت و درآمد داشته باشد و مراد از «کفایت» در اصطلاح فقه، درآمدی به اندازه تأمین مخارج سالیانه می‌باشد (نجفی، ۱۴۰۴ق.، ج ۱۵، صص ۳۰۴-۳۰۵).

بحث «هزینه سالیانه» که یک عنصر مهم در تعریف فقیر محسوب می‌شود، در قالب دو عنوان فقهی مؤونه سنه و نفقه و همچنین مستثنیات دین به عنوان حداقل معیشت قابل تحقیق و بررسی است.

۳-۳-۳. مؤونه در لسان فقها

بسیاری از فقها اصلاً مؤونه را معنا نکرده‌اند، زیرا به نظر آن‌ها کلمه مؤونه نیازی به تفسیر و توضیح ندارد. برخی دیگر مؤونه را به چیزی که انسان به آن نیاز دارد یا آنچه باعث کفایت زندگی انسان شود، تفسیر کرده‌اند (طوسی، ۱۴۰۰ق.، ص ۱۹۸؛ مفید، ۱۴۱۳ق.، ص ۲۷۶؛ حلی، ۱۴۱۰ق.، ص ۴۸۹).

طباطبایی یزدی درباره معنای مؤونه بر این باور است که مؤونه، علاوه بر آنچه انسان برای تحصیل سود و درآمد هزینه می‌کند، چیزی است که در زندگی خود و عیالش به تناسب شأن خود به آن محتاج است، از قبیل خوراک، پوشاک، مسکن، صدقه دادن، زیارت رفتن، هدیه و جایزه دادن، مهمانی دادن و... (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ق.، ج ۲، ص ۳۹۴). به طور کلی همه هزینه‌هایی که با اوضاع و شرایط شخص متناسب بوده و تهیه آن «سفاهت» یا «اسراف» شمرده نشود.

۳-۳-۴. حداقل معیشت (مفلس و مستثنیات دین)

مفلس کسی است که دیون سررسید شده از مال و دارایی‌های سررسید شده بیشتر باشد. اگرچه «ادای دین» از واجبات است و پرداخت بدهی از حق الناس بوده ولی از آنجا که پروردگار متعال حکمی صادر نمی‌کند که موجب عسر و حرج باشد، لذا برای مفلس و کسی که حقیقتاً در تنگنا قرار دارد، از باب اینکه به عسر و حرج نیفتد و از یک حداقل زندگی نیز محروم نگردد، در فقه اسلامی در باب افلاس و ورشکستگی مقوله‌ای با عنوان «مستثنیات دین» مطرح شده است.

مشهور فقهای امامیه منزل مسکونی، مرکب (چهار پا)، البسه مدیون و خانواده او و هزینه زندگی مدیون و خانواده او مطابق با شأن ایشان را جزء مستثنیات دین شمرده‌اند (عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، صص ۱۲۳-۱۲۴؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۰، ص ۱۹۵؛ اصفهانی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۹۱؛ موسوی خمینی، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۶۳۳). برخی از این فقهای امامیه در مورد پوشاک معمولی، هم لباس تابستانی را استثناء کرده‌اند و هم لباس زمستانی را و علاوه بر پوشاک معمولی، لباس میهمانی را نیز جزء مستثنیات دین محسوب نموده‌اند و به طور کلی ملاک استثناء در اشیاء مذکور را احتیاج متعارف شخص مدیون قرار داده‌اند. فقهای امامیه نظیر امام خمینی (ره) در تعیین احتیاج متعارف شخص مدیون، شأن و شرف او را دخیل دانسته و موقعیت اجتماعی شخص مدیون را مورد ملاحظه قرار داده‌اند.

۳-۳-۶. بررسی مفهوم شأن

چنانچه ملاحظه می‌گردد، مفهوم شأن در مباحث مربوط به تعریف فقیر شرعی، مؤونه زندگی، نفقه و مستثنیات دین جایگاه ویژه و با اهمیتی دارد. بررسی این مفهوم سه نکته زیر را روشن می‌سازد.

اول اینکه «شأن» در چهار آیه قرآن (یونس: ۶۱، نور: ۶۲، رحمن: ۲۹ و عبس: ۳۴) بیشتر به معنای کار و در روایات، افزون بر کار به معنای رتبه، مقام و مرتبه استعمال شده است. و در مجموع به نظر می‌رسد به مرور زمان چون افراد را با شغل و کارشان می‌شناخته‌اند، شأن به مقام ذاتی و سپس به مقام اعتباری گسترش پیدا کرده و کم کم

معنای اولی مهجور شده است و امروزه عرف ترکیبی از مقام و منزلت همراه با احتیاج و نیاز را در نظر گرفته و براساس آن حکم می‌کند (عابدینی، ۱۳۷۸، صص ۳۱۲-۳۱۵).

نکته دوم اینکه ضابطه رعایت شأن فرد در مورد افراد، عدم مشقت است و اجبار شخص به کاری که در شأنش نیست مردود است. فقهای نظیر صاحب مدارک در بررسی فقر، بر معیاری تأکید کرده‌اند که در تعیین «شکل» و «محتوای» کار قابل استناد است (عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۵، ص ۱۹۷). وی با تصریح به دو اصل بنیادین «لا حرج» و «لا ضرر» در این موضوع، اشتغال درآمد را در صورتی که با توجه به شرایط خاص هر شخص، «زیان آور» و یا توأم با «مشقت و سختی» باشد، موجب خروج از دایره فقر ندانسته است. این نظریه مورد تایید فقهای دیگر نیز هست.

نکته آخر هم اینکه شأن یک محدوده عرفی، عقلی و عقلایی دارد و در واقع «تناسب معیشت با لیاقت‌ها و استعدادها» است و نباید آن را به امرهای موهومی و طبقاتی سرایت داد. بنابراین برخی از شأن‌های اعتباری که باعث اختلاف طبقاتی شدید در جامعه است مبنای شرعی ندارد. احادیث زیادی در این زمینه وجود دارد که انسان همواره باید اعتدال را رعایت نموده و نباید به هنگام مصرف کالاها در هر دو جهت کمی و کیفی، به بهانه رعایت شأن اسراف نماید، هر چند خود مالک آن‌ها باشد (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۵۰۰).

ملاحظه ویژگی‌های انفاق گیرندگان یکی از نکات آموزنده در انفاق امام علی(ع) توجه به شأن و منزلت علمی و معنوی نیازمندان در تعیین میزان انفاق بر آن‌ها بود. در یکی از موارد که امام علی(ع) لباسی را به فقیری عطا کرده بود و فقیر پس از پوشیدن لباس، شعر با معنایی سرود، صد دینار دیگر بر عطای وی افزود و در پاسخ به سؤال کسی که از زیادی این بخشش تعجب کرده بود، فرمود: از رسول خدا(ص) شنیدم که فرمود: «مردم را در جایگاه شایسته ایشان قرار دهید و جایگاه این مرد، نزد من چنین است» (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۴۲، ص ۵۲۳).

۴. مقایسه مفهوم فقر چندبعدی در اسلام و اقتصاد متعارف

۴-۱. مقایسه اقسام فقر

در مقایسه اقسام و رویکردهای فقر در اسلام و اقتصاد متعارف می‌توان به این نتیجه دست یافت که اسلام دیدی عمیق و جامع‌تر داشته و بعضی از اقسام فقری که در اسلام مورد اشاره قرار گرفته، نظیر فقر ذاتی، فقر انتخابی در اقتصاد متعارف هرگز یافت نمی‌شود به عبارت دیگر در اسلام حتی ممکن است فقر، ممدوح باشد البته شرایط و اقتضائاتی دارد که نمی‌توان برای همه افراد حکم یکسانی در نظر گرفت.

علت نگاه عمیق‌تر اسلام به مسأله فقر را می‌توان در تفاوت در اصول و مبانی آن و اقتصاد متعارف جستجو نمود. بر اساس متافیزیک علوم طبیعی که بعد از رنسانس در غرب شکل گرفته است، تفکر دئیستی، تفکر اومانیزم، مکتب طبیعت‌گرایی^{۲۰} و تفکر نامینالیسم رواج یافتند که نتیجه نهایی آن افول تأثیرگذاری خداوند از ربوبیت به خالق اتم‌ها و دادن نقش معمار بازنشسته به خداوند و اصالت قوانین طبیعی و همچنین اصالت ذهن و خواسته انسان بود که اثر آن در تفکر اقتصادی اصالت دادن به فرد و خواسته‌های او در چارچوب نظام بازار بوده است (عیوضلو، ۱۳۸۷، ص ۱۶۹).

تفاوت جوهری میان مبانی فلسفی یاد شده و مبانی فلسفی اسلامی، واضح است. براساس فلسفه اسلامی، خداوند در عین حال که «خالق» است، «رب» نیز به شمار می‌رود و در واقع، شکوفایی استعدادها و حرکت تکاملی انسان و جامعه، فقط در صورت حاکمیت اصول ثابت شریعت اسلامی، اعم از اصول تکوینی^{۲۱} (نظیر اصل ربوبیت خداوند، اصل مالکیت الله، اصل هدفداری آفرینش، اصل خلافت و جانشینی انسان‌ها، اصل مسئولیت‌پذیری انسان، اصل تأمین روزی، اصل تسلیط و تسخیر، اصل تفاوت و اصل عدالت تکوینی) و اصول تشریعی^{۲۲} (از قبیل اصل مالکیت اعتباری ظلی انسان‌ها، اصل عدالت اقتصادی و اجتماعی، اصل حرمت اکل مال به باطل، اصل تبعیت نماء از اصل یا اصل ثبات مالکیت، اصل حرمت اسراف، اصل حق فقرا در اموال اغنیا، لزوم تداول ثروت و جریان داشتن مال، اصل لاضرر و نقش سازنده حکومت و دولت

اسلامی) قابل تحقق است و حاصل آن، حیات طیبه انسان‌ها و جامعه اسلامی است (عیوضلو، ۱۳۸۷، صص ۱۴۶-۱۵۹).

بنابراین، فلسفه وجود مفهومی چون فقر ذاتی در اسلام، به دلیل اصول تکوینی (نظیر اصل مالکیت الله) و فلسفه فقر انتخابی (به عنوان یک فقر ممدوح) و فقر روحی و ذهنی (به عنوان یک فقر مذموم) به دلیل اصول تشریعی (نظیر اصل مالکیت اعتباری انسان‌ها و همچنین حق فقرا در اموال اغنیا) و فلسفه فقر واقعی و حقیقی به دلیل عدم توجه به اصل تکوینی «مسئولیت پذیری انسان» و نهایتاً اینکه فقر دینی می‌تواند به دلیل عدم توجه به اصل تکوینی خالقیت و ربوبیت الهی و یا بی توجهی به اصل هدفدار بودن آفرینش به وجود آید.

۴-۲. مقایسه خط فقر

در مورد رویکرد درآمدی به فقر، می‌توان گفت که اولاً ملاک فقر و غنا در اسلام، به صورت حقیقت شرعی و تعبدی و یک مقدار ثابتی نیست، که اگر درآمد فرد به آن اندازه معین برسد غنی و اگر نرسد فقیر باشد. بلکه ملاک فقر و غنا «کفایت» است. بنابراین خط فقر در اسلام به صورتی که در اقتصاد متعارف تعریف شده است قابل تصور نیست ولی معیارهای خط فقر اسلامی بیشتر به جنبه فقر نسبی توجه دارد تا فقر مطلق، و به دنبال این است که فقرا را به سمت سطح میانگین جامعه و حتی سطح غنی و بی نیازی برساند. جهت اثبات مطلب فوق، توجه به برنامه‌ها و مقررات اسلامی، برای «محو فقر» راهگشا می‌باشد. این دستورات نشان می‌دهد که در جامعه اسلامی، باید معیشت مردم در چه سطحی قرار داشته باشد و چه گروه‌هایی پائین‌تر از معیارهای مورد قبول اسلام قرار داشته، و به عنوان «فقیر» شناخته می‌شوند.

در ذیل به ابوابی از وسائل الشیعه پیرامون جواز اخذ زکات که مدعای فوق را تأیید می‌کند اشاره می‌شود.

۴-۲-۱. ادله تأکید اسلام نسبت به فقر نسبی

۴-۲-۱-۱. معیار کفایت و تلاش جهت الحاق فقرا به سایر مردم

الف- باب هشتم: فقیری که به صورت بالفعل و بالقوه توانایی تأمین هزینه سالانه خود و عیالش را ندارد، هرچند که صاحب شغل یا صنعتی باشد (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۹، صص ۲۳۱-۲۳۴).

ب- باب دوازدهم: در مورد افرادی که مالی دارند که با آن به تجارت بپردازند ولی سود آن کفایت هزینه‌های سالانه خود و افراد واجب‌النفقة آنها را نمی‌کند (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۹، صص ۲۳۸-۲۴۰).

۴-۲-۱-۲. جواز اخذ زکات علیرغم داشتن ضروریات زندگی

الف- باب نهم: اخذ جواز زکات برای فقیر، هرچند که خادم، دایه، خانه‌ای داشته باشد که به آن احتیاج دارد. (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۹، صص ۲۳۵-۲۳۷).

ب- باب یازدهم: جواز اخذ زکات برای کسی که نفقه‌اش به عهده دیگری است، ولی او تمام نیازهای فرد واجب‌النفقة‌اش را برآورده نمی‌سازد و در امر معیشت او توسعه نمی‌دهد (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۹، ص ۲۳۸).

۴-۲-۱-۳. پرداخت زکات به اندازه بی نیاز ساختن فقرا

الف- باب بیست و چهارم: جواز اعطای زکات به مستحقین، به اندازه‌ای که ایشان را بی نیاز سازد، و در مقدار آن حدی وجود ندارد، مگر آنکه ترس از اسراف وجود داشته باشد (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۹، صص ۲۵۸-۲۶۱).

ب- باب چهل و یکم: جواز تصرف فقیر در مورد آنچه به عنوان زکات به وی داده می‌شود، به صورت دلخواه، نظیر انجام حج، ازدواج کردن، خوردن، پوشیدن، صدقه دادن و غیره، و نباید وی را به حداقل کفایت الزام نمود (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۹، صص ۲۸۹-۲۹۰).

بنابراین براساس روایات فوق، کمک به نیازمندان به اندازه‌ای است که آن‌ها را از دایره فقر بیرون آورد و لذا به مقدار خاصی محدود نمی‌باشد و باید به مقداری انجام گیرد که آن‌ها را به جرگه اغنیاء برساند.

۴-۲-۲. نحوه مواجهه فقیهان با فقر مطلق

۴-۲-۲-۱. اولویت‌های پرداخت زکات به مستحقان

در ترجیحات مصرف زکات، افرادی که در نهایت فقر قرار داشته و از تامین حداقل نیازهای اصلی جسمانی یعنی خوراک، پوشاک و مسکن ناتوانند، الزاماً ترجیحی ندارند. گرچه برخی فقها به عنوان یکی از ترجیحات مستحبی شدت نیاز را در ردیف عدل، فضیلت و... قرار داده‌اند، اما در نهایت به عنوان یک الزام، هیچ کس ترجیح شدت نیاز را معتقد نبوده است. به عنوان مثال سید یزدی پس از عدالت و فضیلت، درجه نیازمندی را نیز از جمله ترجیحات مستحبی می‌دانند (طباطبائی یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۳۲۴).

۴-۲-۲-۲. عدم قول به وجوب بسط زکات

بسط و یا عدم بسط زکات به این معناست که آیا زکات باید میان همه اصناف مستحق زکات تقسیم شود و یا می‌توان تنها به برخی از گروه‌ها پرداخت نمود. علامه حلی می‌فرماید تمامی علمای شیعه معتقدند که بسط واجب نیست و اکثر اهل سنت نیز بر این اعتقاد هستند (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، صص ۳۳۶-۳۳۷). بنابراین اعتقاد به عدم وجوب بسط، حکایت از فقدان جایگاه ویژه برای مبارزه با فقر مطلق می‌کند (یوسفی، ۱۳۷۸، صص ۱۰۸-۱۰۹).

نتیجه‌گیری

در مقایسه مفهوم فقر چندبعدی در اسلام و اقتصاد متعارف باید گفت که اسلام دیدی عمیق و جامع‌تر داشته بعضی از اقسام فقری که در اسلام مورد اشاره قرار گرفته در

اقتصاد متعارف هرگز یافت نمی‌شود مانند فقر ذاتی و فقر انتخابی که ممدوح به شمار می‌روند.

در مقایسه رویکرد درآمدی به فقر می‌توان گفت که رویکرد درآمدی به فقر و خط فقر در اسلام به صورتی که در اقتصاد متعارف تعریف شده است قابل تصور نیست ولی معیارهای خط فقر اسلامی بیشتر به جنبه فقر نسبی توجه دارد تا فقر مطلق، و به دنبال این است که فقرا را به سمت سطح میانگین جامعه و حتی سطح غنی و بی‌نیازی برساند. از سوی دیگر نحوه مواجهه فقها با فقر مطلق نشان می‌دهد که ایشان اولویتی برای مبارزه با فقر مطلق معتقد نبوده‌اند. البته نه به این معنا که رفع فقر مطلق اهمیتی ندارد، بلکه با اتکاء به روایاتی که زکات را برای تامین نیاز فقیران کافی می‌داند، وجهی برای فرض عدم کفایت زکات ندیده‌اند.

بیانات شهید صدر نیز بیانگر همین نکته است که در اسلام، مفهوم مطلق و ثابتی در کلیه احوال برای فقر، منظور نشده است و فقر به طوری که در نصوص آمده است ناهماهنگی در سطح زندگی همگانی است، نه عدم قدرت بر رفع احتیاجات اساسی به آسانی.

بنابراین اسلام با تأکید خود نسبت به رفع فقر نسبی در صدد کاهش نابرابری‌ها و ایجاد توازن اقتصادی در سطح جامعه است. مسأله شایان توجه در آموزه‌های اسلامی این است که اسلام علاوه بر الزامات و تکالیف فردی (نظیر خمس و زکات)، از طریق آموزه‌های تشویقی، مردم را به خیرات و نیکی‌های مالی نظیر انفاق، وقف، قرض، عاریه و... دعوت می‌کند تا پدیده فقر در جامعه ریشه‌کن گردد. به عبارت دیگر در نظام اقتصادی اسلام با اعمال سیاست‌های تکلیفی حداقل و با پیگیری سیاست‌های تشویقی، توازن اقتصادی محقق می‌گردد و سطح زندگی مردم به یکدیگر نزدیک می‌شود.

در استخراج مفهوم فقر قابلیت و مشارکتی در مباحث اسلامی، مواردی نظیر تأمین ابزار تولید برای فقرا به جای کمک مستقیم مالی از سوی معصومین (ع) و همچنین بحث عدم اجبار افراد به کار غیر مورد علاقه و غیر تخصص، به رویکرد قابلیت و ورود مفهوم «شان و منزلت» در فقه به رویکرد مشارکت اجتماعی (در حالت منزلت شغلی)

در اقتصاد متعارف شبیه بوده و معیارهای خط فقر اسلامی را با فقر نسبی در اقتصاد متعارف متفاوت می‌کند که متون فقهی مربوطه در مباحث قبل گذشت.

شان در پی در نظرگرفتن شرایط متفاوت افراد و خانواده‌ها و عادات ایشان و حفاظت از عزت و آبروی افراد در میان سایر مسلمانان است. البته در اسلام رعایت شان تا آنجاست که به فاصله شدید طبقاتی نینجامد. در اسلام علاوه بر توصیه به رعایت شان، منزلت و آبرو، به ساده‌زیستی، زهد، قناعت و کم‌خرجی نیز توصیه فراوان شده است. عبارت «عادة أمثالها» در کتب فقهی که تا حد زیادی به مباحث شان مرتبط می‌شود، بیانگر این نکته است که در میان مسلمانان اصناف و اقشار مختلفی وجود دارد که هر یک سطح زندگی متفاوتی دارند اما افراد در یک قشر، گروه، طبقه یا صنف خاص معمولاً نیازها و تمایلات مشابهی دارند و معمولاً فرد در بین هم‌قشری‌ها و هم‌طبقه‌ای‌های خود به مقایسه وضعیت خود با دیگر افراد طبقه می‌پردازد.

البته ورود مفهوم شان به تعریف فقر در اسلام، تا اندازه‌ای جنبه شخصی می‌دهد. یعنی ممکن است دو خانوار دارای درآمد یکسان به دلیل شان‌های متفاوت دارای حد کفایت متفاوت باشند، درحالی که فقر نسبی بر پدیده نابرابری دلالت می‌کند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت مفهوم خط فقر در اسلام، در عین داشتن وجوه اشتراک تا اندازه‌ای با خط فقر نسبی در اقتصاد متعارف، متفاوت می‌باشد.

در نتیجه‌گیری نهایی می‌توان گفت اسلام با تأکید بر رفع فقر نسبی به دنبال رفع نابرابری در سطح کل جامعه و طبقات مختلف اجتماعی است که با اتخاذ سیاست‌های کلان و اجتماعی می‌توان نسبت به ایجاد سطوح زندگی نزدیک به هم برای همه طبقات اقدام نمود و در مرحله بعد در واقع با تأکید بر رعایت شان، معیاری جزئی‌تر ارائه می‌کند تا سطح زندگی اقتصادی افراد در هر طبقه نیز با یکدیگر فاصله زیادی نداشته باشد.

یادداشت‌ها

1. multidimensional poverty index
2. Iqbal

۳. انگلوساکسون‌ها، ملت‌هایی هستند که زبان انگلیسی، زبان رسمی آن‌هاست و در هر نقطه از دنیا که پراکنده باشند، به این زبان سخن می‌گویند؛ مثل انگلستان، امریکا، استرالیا و کانادا.

- 4. Booth
- 5. Rowntree
- 6. Amartya Sen
- 7. absolute poverty
- 8. subsistence

۹. فقر مطلق، فقر معیشتی (subsistence poverty) یا فقر ابتدایی نیز نامیده می‌شود.

۱۰. فقر نسبی، فقر ثانوی نیز نامیده می‌شود.

- 11. Sawhill
- 12. quality of life
- 13. Brady (2003); Lister (2004); Ravallion (1996); Sen (2000); Sengupta (2005), Wagle (2002)
- 14. multidimensional poverty

۱۵. شاخص توسعه انسانی (HDI) بر سه مؤلفه استوار است: طول عمر که بر اساس امید به زندگی در بدو تولد تعریف می‌شود، میزان آموزش و با سواد و سطح زندگی (که برحسب GDP سرانه و قدرت خرید تعریف می‌شود).

- 16. human poverty index

۱۷. این شاخص نشان دهنده این است که آیا درآمد خانوار توانایی و کفایت تأمین نیازهای اولیه خانواده مانند خوراک و پوشاک را دارد یا خیر.

- 18. union approach
- 19. interaction approach
- 20. naturalism

۲۱. مجموعه‌ای از روابط و گزاره‌های اثباتی و وصفی (positive statements) که معرف جهان بینی اقتصادی حاکم بر نظریه‌ها و رفتارهای مورد بحث در اقتصاد اسلامی است. این اصول در واقع، معرف پیش فرض‌های حاکم بر اقتصاد اسلامی در خصوص جهان هستی و جایگاه انسان در این میان و برنامه‌ها و سنن حاکم بر جهان هستی است.

۲۲. مجموعه‌ای از گزاره‌های هنجاری و ارزشی (normative statements) در خصوص موازین شرعی اسلام در حوزه روابط اقتصادی هستند. این اصول معرف مبانی حقوقی اقتصاد اسلامی است. این اصول و موازین در تحلیل نهایی برگرفته از اصول تکوینی است و از آن نتیجه می‌شود.

کتابنامه

- ابن منظور، جمال الدین (۱۴۱۴ق.)، *لسان العرب*، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، چ ۳.
- اصفهان‌ی، سید ابو الحسن (۱۴۲۲ق.)، *وسيلة النجاة (مع حواشی الإمام الخمينی)*، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، چ ۱.
- بحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۰۵ق.)، *الحقائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ ۱.
- تودارو، مایکل (۱۳۷۷)، *توسعه اقتصادی در جهان سوم*، ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران: مؤسسه عالی پژوهش در برنامه ریزی و توسعه، چ ۶.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق.)، *وسائل الشیعة*، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چ ۱.
- حکیمی، محمدرضا، محمد و علی (۱۳۸۷)، *الحیة*، قم: انتشارات دلیل ما.
- حلبی، ابن زهره (۱۴۱۷ق.)، *غنية النزوع إلى علمی الأصول و الفروع*، قم: مؤسسه امام صادق(ع)، چ ۱.
- حلّی، ابن ادریس (۱۴۱۰ق.)، *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ ۲.
- خدادادکاشی، فرهاد (۱۳۸۱)، *اندازه گیری شاخص‌های فقر در ایران*، تهران: گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی.
- خویی، سید ابو القاسم موسوی، (۱۴۱۸ق.)، *موسوعة الإمام الخوئی*، قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی (ره)، چ ۱.
- راغب اصفهان‌ی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق.)، *مفردات ألفاظ القرآن*، دمشق: دار العلم، چ ۱.
- راغفر، حسین (۱۳۹۲)، «اندازه‌گیری فقر چندبعدی در شهر تهران»، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی*، سال سیزدهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۲.
- راولین، مارتین (۱۳۷۶)، *مقایسه فقر*، ترجمه حمید رضا اشرف زاده، تهران: وزارت جهاد سازندگی، چ ۱.
- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور (۱۳۷۹)، *برنامه مبارزه با فقر و افزایش درآمد خانوارهای کم درآمد*، تهران: معاونت امور اجتماعی.

- سبحانی، جعفر، (۱۴۲۴ق.)، الزکاة فی الشریعة الإسلامیة الغراء، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، چ ۱.
- سروش، محمد (۱۳۷۵)، «فقه و تعیین خط فقر»، مجموعه مقالات گروه‌های بررسی مساله فقر و فقرزدایی، ج ۱، تهران: سازمان برنامه و بودجه، چ ۲.
- طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، (۱۴۰۹ق.)، العروة الوثقی، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، چ ۲.
- طرابلسی، ابن براج (۱۴۰۶ق.)، المذهب، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ ۱.
- طریحی، فخر الدین (۱۴۱۶ق.)، مجمع البحرین، تهران: کتابفروشی مرتضوی، چ ۳.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۰ق.)، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت: دار الکتاب العربی، چ ۲.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق.)، الخلاف، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ ۱.
- طهماسبی، جواد (۱۳۹۱)، شاخص توسعه انسانی و مقام ایران در جایگاه جهانی، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، معاونت پژوهش‌های اقتصادی.
- عابدینی، احمد (۱۳۷۸)، «امام خمینی، ساده زیستی و مسأله شأن»، فقه (کاوشی نو در فقه اسلامی)، ش ۲۱، صص ۲۶۵-۳۵۴.
- عاملی، سید جواد بن محمد حسینی (۱۴۱۹ق.)، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ ۱.
- عاملی، شهید ثانی (۱۴۱۰ق.)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، قم: کتابفروشی داوری، چ ۱.
- همو (۱۴۱۳ق.)، مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، قم: مؤسسة المعارف الإسلامیة، چ ۱.
- عاملی، محمد بن علی موسوی (۱۴۱۱ق.)، مدارک الأحکام فی شرح عبادات شرائع الإسلام، بیروت: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، چ ۱.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴ق.)، تذکرة الفقهاء، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چ ۱.

علی مددی، محمدصادق (۱۳۸۷)، «اندازه‌گیری شاخص‌های چندبعدی فقر در ایران سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۵»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه صنعتی شریف، دانشکده مدیریت و اقتصاد.

عیوضلو، حسین (۱۳۸۷)، «درآمدی بر ارکان و هسته سخت اقتصاد اسلامی»، دوفصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی، س ۱، ش ۱، صص ۱۳۹-۱۷۱.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق.)، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامية، ج ۴. گریفین، کیت (۱۳۷۵)، راهبردهای توسعه اقتصادی، ترجمه حسین راغفر و محمد حسین هاشمی، تهران: نشر نی، ج ۱.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۴ق.)، بحار الأنوار، بیروت: مؤسسة الوفاء. محقق حلّی، نجم الدین، (۱۴۰۷ق.)، المعتمد فی شرح المختصر، قم: مؤسسه سید الشهداء علیه السلام، ج ۱.

محمودی، وحید و صمیمی فر، سید قاسم (۱۳۸۴)، «مفهوم و روش‌های سنجش و اندازه‌گیری فقر و نابرابری»، مجله رفاه اجتماعی، س ۴، ش ۱۷، صص ۹-۳۲. مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری (۱۴۱۳ق.)، المقنعة، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید ره، ج ۱.

موسوی خمینی، سید روح الله (۱۴۲۵ق.)، تحریر الوسیلة، ترجمه علی اسلامی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۲۱. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ق.)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ج ۷.

نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۵ق.)، مستند الشیعة فی أحكام الشریعة، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ج ۱.

همدانی، آقا رضا بن محمد هادی (۱۴۱۶ق.)، مصباح الفقیه، قم: مؤسسه الجعفریة لإحياء التراث و مؤسسه النشر الإسلامی، ج ۱.

ورام بن ابی فراس (بی‌تا)، مجموعه ورام، قم: انتشارات مکتبه الفقیه.

Haughton, J. & Khandker, S. (2009), *Handbook on Poverty and Inequality*, Washington: The World Bank.

Iqbal, Munawar, (1986), *Distributive Justice and Need Fulfilment in an Islamic Economy*, Islamabad: International institute of Islamic Economics.

Sen, Amartya (1987), *Commodities and Capabilities*, Amsterdam: North-Holland.

Steven, Durlauf & Lawrence, Blume (2008), *The new palgrave dictionary of economics*.

- Tsui, K. Y, (2002), *Multidimensional Poverty Indices*; Social Choice and Welfar.
- Wagle, Udaya (2008), "Multidimensional Poverty Measurement", *Springper cience & Business Media*, New York: Spring Street.

